

سبک زندگی فردی، عبادی و اجتماعی امام کاظم علیه السلام

*حسن رسولی

چکیده

در بین موجودات زنده، بشر تنها موجودی است که از بدو ولادت - از خوردن و راه رفتن تا ارتباط با خویشان و اطرافیان و نیز نحوه تعامل با خالق و جهان اطراف خود - نیازمند الگو و راهنمایی است. بشر امروز، بیش از هر دوره‌ای به این الگو و راهنما محتاج‌تر می‌نمایند. اگر با نگاهی بی‌طرفانه برای دست‌یابی به سیره و سبک زندگی متعالی و بی‌نقص، در جستجوی افراد مؤثر و حتی اساطیر باشیم، به اعتراف دوست و دشمن، این اسوه گیری را در اهل بیت علیهم السلام می‌توان یافت. معرفی سیره و سبک زندگی فردی، عبادی و اجتماعی امام کاظم علیه السلام بهترین راهنما و مطمئن‌ترین مسیر برای تعالی زندگی مادی و معنوی امروز و حائز اهمیت ویژه‌ای است. در این نوشتار تلاش شده است گوشه‌ای از این سبک و سیره از متون تاریخی و روایی استخراج شده و به عنوان نمونه معرفی گردد. بیشترین ارجاعات انجام‌گرفته در تحقیق مربوط است به کتب ارزشمند الکافی کلینی، کشف الغمہ اربلی، ارشاد مفید، مکارم الاخلاق طبرسی و مجموعه مقالات سیره و زمانه امام کاظم علیه السلام.

واژه‌های کلیدی

سیره اخلاقی، موسی بن جعفر علیهم السلام، سبک زندگی، امام کاظم علیه السلام.

*. دانش آموخته سطح سه گرایش تاریخ اهل بیت علیهم السلام مؤسسه آموزش عالی حوزه امام رضا علیه السلام.

مقدمه

بازگشت جامعه مؤمنین پس از عصر نبوی به جاهلیت پیش از اسلام با سبک زندگی سراسر شرک‌الود و مبتنی بر فردگرایی و نفس‌پرستی بود، آثار سبک زندگی مؤمنانه‌ای را که رسول خدا^{علیه السلام} با زحمات بیست و سه ساله خود، کم‌کم در روح آن ضمیر خفته، بیدار کرده بود، را از بین برد تا آنجا که امام حسین^{علیه السلام} فلسفه قیام خود را زنده کردن سنت پیامبر^{علیه السلام} معرفی نمود.

بشر امروز، در همان وضعیت جاهلیت اول، فقط باکمی تفاوت ظاهری قرار گرفته است. تنها با مقایسه‌ای کوتاه و گذرا بین جاهلیت اول و جاهلیت دوم - که در آن قرار داریم - لزوم بازگشت به سبک زندگی حقیقی و صحیح که همان سیره و روش پیامبر^{علیه السلام} و اوصیای اوست بیش از پیش احساس می‌گردد.

عصیت جاهلی که بارزترین مشخصه آن شرک، نژادپرستی عرب بر غیر عرب و اطاعت از اولیاء طاغوت بود، امروزه هم بین زورداران علیه مستضعفان جاری و ساری است. فاصله گرفتن از سبک زندگی شخصی و فردی صحیح، همچون تغذیه و بهداشت، نحوه تعامل با خانواده و اطرافیان و نحوه درآمد و مصرف و... لزوم توجه بیشتر به ابعاد سیره معنوی و فردی و خانوادگی و اجتماعی ائمه هدی^{علیهم السلام} را بیش از پیش روشن می‌نماید.

سؤال اصلی آن است که در چه زمینه‌هایی می‌توانیم از زندگی معصومان^{علیهم السلام} الگو گیری نماییم؟

هریک از پیشوایان معصوم ما با الگودهی و نمایش سبک زندگی منطبق بر قرآن و سنت نبوی کوشیده‌اند، این مسیر رو به افول را اصلاح نموده و به جاده صلاح و فلاح را رهنمون گردند.

امام کاظم^{علیه السلام} در عصر پر خفقات عباسی و هارونی که رواج بسیاری بود و نفس‌پرستی به ارزش تبدیل شده بود، با نشان دادن سبک زندگی مؤمنانه و مطلوب قرآن، بسیاری از جامعه اطراف خود را تحت تأثیر قرارداد و مسیر سیئه آن‌ها را به حسنی تبدیل نمود.

آثاری در این محورها تدوین شده است اما تحقیق کاملی در آثار روایی و تاریخی صورت نگرفته است. در کتاب‌هایی همچون کافی و ارشاد، این سبک زندگی به‌طور عام بیان شده و فصل‌بندی جداگانه‌ای صورت نگرفته است. هرچند آثاری همچون مجموعه مقالات سیره و زمانه امام کاظم علیه السلام که در دو جلد منتشر شده است اختصاص به امام کاظم علیه السلام دارد، اما شاید وجه تمایز این نوشتار، تصویر اجمالی و قابل استفاده در نگاهی کوتاه باشد.

در این نوشتار سعی شده است چهار محور اصلی زندگی معنوی، عبادی، فردی و اجتماعی حضرت کاظم علیه السلام تنظیم گردد.

۲۹

تعريف مفاهیم

۱. سیره

این واژه از ریشه «سیر»^۱ گرفته شده است. سیره بر وزن فعله و مصدر نوعی و به مفهوم نوع حرکت و سبک‌رفتار است.^۲ از قرن اول هجری به بعد، مسلمانان واژه سیره را به‌طور خاص درباره شرح حال و حوادث مربوط به پیامبر اکرم علیه السلام و به‌طور عام و شخصیت‌های تاریخی از جمله دیگر معصومان، به کار برداشت و کتاب‌های متعددی به منظور تبیین سیره رسول خدا علیه السلام تدوین شد.

آنچه در کتب سیره یافت می‌شود، مجموعه‌ای از گزارش‌های تاریخی مربوط به زندگانی رسول خدا علیه السلام و دیگر معصومان است، اما برای دست‌یابی به سبک و شیوه رفتاری معصومان باید مجموعه گزارش‌های مربوط به یک موضوع خاص که چه باشد موقعیت‌های مختلف حیات معصوم مربوط باشند را جمع‌آوری و تحلیل کرد تا به یک اصل کلی و ثابت رسید؛ بدین ترتیب، مجموعه‌ای از اصول ثابت در سیره را می‌توان کشف کرد که همواره، حجت و قابل تبعیت بوده و به زمان یا شرایط خاصی منحصر نیستند.

در کنار واژه سیره، واژه «سنت» نیز به کار می‌رود. سنت از نظر لغوی به معنای راه،

۱. «سیر» یعنی مطلق حرکت و «سری» یعنی حرکت در شب.

۲. برای مطالعه بیشتر درباره واژگان سیره و اهمیت آن، نک: سیری در سیره نبوی، اثر شهید مطهری.

روش و طریقه سلوک و حرکت است^۱ اما در اصطلاح، یعنی گفتار، رفتار یا تقریر^۲ معصوم؛ بنابراین، سنت معصومان به جز رفتار آنان، گفتار یا تقریرشان را نیز شامل می‌شود، در حالی که سیره، تنها شامل رفتار آنان است. راز جذابیت سیره یا همان سنت رفتاری معصومان، آن است که به حیطه رفتاری آنان مربوط می‌شود و انسان‌ها بیشتر مایل‌اند بدانند که انسان‌های کامل چگونه رفتاری داشته‌اند.^۳

۲. معاشرت

معاشرت مصدر باب مفاعله از ریشه «عشره» است که اهل لغت، آن را مصاحب، همراهی و هم صحبتی معنا کرده‌اند.^۴ در قرآن مجید، معاشرت و واژه‌های هم خانواده آن به معنای رفتار،^۵ مصاحب، همراه^۶ و خویشاوند^۷ آمده است. در روایات، کلمه معاشرت به معنای نشست و پرخاست و زندگی کردن با هم‌دیگر آمده است.^۸

۳۰

سبک زندگی معنوی و عبادی

ائمه هدی^۹ مصدق اتم و اکمل خلیفه‌الله و چراغ راه دیگران‌اند. برخی ائمه، از برجستگی صفات و رفتار خاصی برخوردار هستند، آن‌گونه که وقتی نام هریک از اهلیت^{۱۰} به میان می‌آید، صفات برجسته آن‌ها نیز از ذهن می‌گذرد؛ هرچند همه آن‌ها از ذات و نور واحدند و در هر صفتی سرآمد.



۱. این واژه در قرآن نیز به معنای طریقه و روش به کاررفته است: **﴿وَقَدْ خَلَّتْ سُنَّةُ الْأُولَيْنَ﴾**؛ ای طریقه الٰتی سِنَّهَا اللّٰهُ فِي اهلاكِهِمْ حِينَ كَذَبُوا رَسُلَهُ وَهُوَ وَعِيدٌ.
- (مجمع البحرين، ج ۲، ص ۴۳۶)
۲. تقریر، یعنی سکوت معصوم در قبال رفتار یا گفتار دیگران، به‌گونه‌ای که به منزله تأیید آن گفتار یا رفتار باشد.
۳. مجموعه مقالات سیره و زمانه امام کاظم، ج ۱، ص ۲۱۲.
۴. اقرب الموارد فی فصح العربیة و الشوارد، ج ۲، ص ۷۸۴.
۵. **﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛ بِإِيمَانٍ بِهِ نِبْكَى رَفْتَارَ كَنْبِدَ﴾**. نساء / ۱۹.
۶. «يَدْعُوا لِمَنْ ضَرَّهُ أَقْرَبُ مِنْ نَفْعِهِ لِبَشِّرِ الْمَوْلَى وَ لِبَشِّرِ الْعَشِيرَ؛ كَسِي رَا مِنْ خواندَ كَه زیانش از سودش نزدیک تر است. وَهَا جَه بَدْ بَاوَرْ وَ جَه بَدْ هَمَرَاهِی!». حج / ۱۳.
۷. «فُلْ إِنْ كَانَ ءابَاؤُكُمْ وَ أَبْنَاؤُكُمْ وَ إِخْوَانَكُمْ وَ أَزْوَاجَكُمْ وَ عَشِيرَتَكُمْ...؛ وَ... بَگُو: اگر پدران و پسران و برادران و زنان و خاندان شما...». توبه / ۲۴. عشیره در این آیه به معنای خاندان و خویشاوندان آمده است.
۸. حسن صادقی، معاشرت زنان و مردان از دیدگاه اسلام، در بحث کلیات پژوهش.

۱. شوق به عبادت

همراه نام شریف امام کاظم علیه السلام، عبادت‌های طولانی آن حضرت، با اخبار معروف زندانی شدن‌های ایشان، عجین است. حالت تصرع و خشوع دائمی، در همه ادوار زندگی ایشان مشهود و پررنگ است.

شیخ صدوق می‌گوید: امام کاظم علیه السلام امامی عظیم الشان بود که در تهجد و عبادت بسیار کوشنا بود و در اجتهاد و تفقه در دین، بسیار جدی. به عبادت و اطاعت پروردگار بسیار مراقب بود و تمامی شبها را به نماز و سجده و روزها را به روزه و تصدق می‌پرداخت.^۱

۲. حال توجه و خشوع در عبادت

روزی ابوحنیفه به حضور امام صادق علیه السلام مشرف شد و عرض کرد: «پسرت موسی را دیدم در حالی که مردم از برابر شعبور می‌کردند، نماز می‌خواند و او آنها را نهی نمی‌کردا!» امام صادق علیه السلام نیز با شنیدن سخن ابوحنیفه، فرزندش را فراخواند و به او فرمودند: «پسرکم! ابوحنیفه می‌گوید که در حال نمازخواندن مردم از برابر شعبور می‌کرند؟» امام کاظم علیه السلام عرض کردند: «آری پدر جان، آنکه من برای او اقامه نماز می‌کنم، از آنان که از برابر شعبور می‌کنند، به من نزدیک‌تر است؛ زیرا خداوند فرموده «من از رگ گردن به انسان نزدیک‌ترم». در این هنگام، امام صادق علیه السلام فرزندشان را به سینه چسبانیدند و فرمودند: «پدر و مادرم به فدایت ای گنجینه اسرار.»^۲

در نمونه‌ای دیگر شقيق بلخی^۳ می‌گوید: در سال صد و چهل و نه که برای حج عازم مکه شدم، در منزل واقعه^۴ جوان گندم گونی را هنگام نماز اعضا مبارکش می‌لرزد و اشک از چشم مبارکش جاری است... بعد از آن او راندیدم تا در نیمه‌شی در

۱. کشف الغمة، ج ۲، ص ۷۴۳.

۲. کافی، ج ۳، ص ۲۹۷، ح ۴.

۳. ابوعلی شقيق بلخی، اصل وی از بلخ بود وی که عارف و محدث بود اولین کسی است که علم طریقت و اصول تصوف را در خراسان نشر داد. در جنگ با ترکان در «کولان» یا «واسجرد» کشته شد.

۴. این منزل، در مسیر مکه به کوفه قرار داشته است و فاصله آن تا کوفه را سه روز راه نوشته‌اند.

کنار قبه السراب^۱ در نهایت خشوع و با ناله و گریه به نماز ایستاده بود و چون صبح شد در مصلای خود نشسته و تسیح می‌کرد، بعد از آن برخاست و نماز صبح گذارد و پس از طواف در حالی از مسجد بیرون می‌رفت که مردم بر گردآگرد او سلام می‌کردند، از برخی از کسانی که نزدیک بودند پرسیدم: این جوان کیست؟ گفتند: این موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب^{علیهم السلام} است.^۲

۳. کثرت عبادت

امام کاظم^{علیهم السلام} به سجده‌ها و عبادات طولانی، توأم با خضوع و خشوع فراوان، معروف و زبان زد بود. شیخ مفید می‌فرماید که: ابوالحسن موسی^{علیهم السلام} عابدترین و فقیه‌ترین و سخاوتمندترین اهل زمان خود بودند.^۳ نماز شب را متصل به نماز صبح و پس از آن تعقیبات می‌فرمود تا طلوع آفتاب و به سجده می‌افتداد و از دعا و تحمید تا نزدیک زوال آفتاب سر برنمی‌داشت.^۴

۳۲

یکی از خصوصیات حضرت کثرت در دعا بود و مدام می‌فرمود: «پروردگارا از تو درخواست می‌کنم مرا هنگام مرگ آسایش داده و به آسانی روح مرا قبض کنی و از کرده‌های من در وقت حساب من درگذری. گناه بنده تو بزرگ است و بخشش از جناب کبریائی تو نیکوست». و در این حال از خشیت الهی آنقدر می‌گریست تا محاسن مبارکش از اشک چشم تر می‌شد.^۵ قرآن را، با صوتی نیکو و باحال حزن قرائت می‌کردن و آنقدر گریه می‌کردن که دیگران نیز با گریه حضرت می‌گریستند.^۶

۴. اهتمام به طاعت و ترک معصیت

مهم‌ترین توجهات اولیاء الهی به حدود الهی - فرمان‌ها و نواهی - است و نسبت

۱. قبه‌ای کنار قبه زمزم در مسجدالحرام است.

۲. کشف الغمة، ج ۲، ص ۷۴۴.

۳. ارشاد، ج ۲، ص ۲۱۴.

۴. همان، ج ۲، ص ۲۳۱.

۵. «اللهم اني اسألك الراحة عند الموت والغفو عند الحساب» و «عظم الذنب من عبده فليحسن العفو من عندك» کشف الغمة، ج ۲، ص ۷۵۷. اعلام الورى بعلام الهدى، ج ۲، ص ۲۵. ارشاد، ج ۲، ص ۲۳۱.

۶. ارشاد، ج ۲، ص ۲۳۵.

سبک زندگی فردی، عبادی و اجتماعی امام کاظم

به رعایت آن‌ها اهتمام ویژه و خاص دارند. آن حضرت در وصیت به یکی از فرزندانشان فرمودند: پسرکم! مبادا خداوند تو را در حال معصیتی ببیند که تو را از آن نهی کرده و مبادا تو را از طاعتی غایب ببیند که تو را به آن امر کرده است.^۱

امام کاظم^{علیه السلام} کسانی را که به گونه‌ای - ولو ناچیز - در خدمت دستگاه ظلم عباسیان بودند، از ادامه همکاری نهی می‌فرمودند، مگر آن‌که منصب خود را وسیله‌ای برای طاعت الهی قرار دهند و به مظلومان یاری رسانند. در این‌باره می‌توان از زیاد بن ابی سلمه و علی بن یقطین نام برد.^۲

سبک زندگی معنوی غیرعبادی

۱. دنیا گریزی و یاد آخرت

ابتلا به دنیاگرایی و غفلت از یاد خدا و آخرت، یکی از مهم‌ترین خطرهای تهدیدکننده انسان در سلوک معنوی است که «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ»^۳ لذا در سیره امام کاظم^{علیه السلام} تأکید زیادی بر دوری از غفلت و خود فراموشی وجود دارد.

آن حضرت در سخنی پس از آن که یاد مرگ را وسیله‌ای کافی و مناسب برای دوری از معصیت معرفی می‌نماید، از این‌که انسان‌ها از ترس بیماری جسمی، اهتمام زیادی به خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها دارند، اما از گناهانی که موجب ابتلا بدن‌ها به آتش جهنم می‌شود نگران نیستند، اظهار شکفتی می‌نماید.^۴ برای رهایی از این آسیب، امام کاظم^{علیه السلام} همواره توصیه می‌فرمودند که انسان ساعات شبانه‌روزش را طوری تقسیم کند و به کار گیرد که بتواند به همه وظایفش عمل کند؛ یعنی تقسیم ساعات به مناجات و

۱. «وَقَالَ عَلِيًّا لِبَعْضِ وُلْدِهِ يَا بُنَيْ إِيَاكَ أَنْ يَرَأَكَ اللَّهُ فِي مَعْصِيَةٍ نَهَاكَ عَنْهَا وَإِيَاكَ أَنْ يُفْقِدَ اللَّهُ عِنْدَ طَاغَةٍ أَمْرَكَ بِهَا» تحف العقول، ص ۴۰۹.

۲. کافی، ج ۵، ص ۱۰۹ - ۱۱۰؛ درباره علی بن یقطین نیز م ر: رجال نجاشی، ص ۲۲۲؛ رجال کشی، ص ۴۳۰. ۴۳۷.

۳. والعصر / ۲.

۴. «عَنْ داؤدَ الْأَبْرَارِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: كَفَى بِالْتَّجَارِبِ تَأْذِيْبًا، وَبِمُرْكَبِ الْأَيَّامِ عِظَلَةً، وَبِأَخْلَاقِ مَنْ عَانَشَرْتُ مَعْرِفَةً، وَبِذِكْرِ الْمَوْتِ حَاجِزًا مِنَ الذُّنُوبِ وَالْمَعَاصِيِّ، وَالْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ لِلْمُحْتَمِلِينَ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ مَحَافَةً الدَّاءِ أَنْ يَنْزِلَ بِهِمْ، كَيْفَ لَا يَحْمِلُونَ مِنَ الذُّنُوبِ مَحَافَةً النَّارِ إِذَا اشْتَعَلَتْ فِي أَبْدَانِهِمْ!» الامالی، شیخ طوسی، ص ۲۰۳.



عبادت، کسب روزی، دیدار دوستان و لذات حلال^۱. آن حضرت، بر جدی گرفتن نداهای درونی و فرمان‌های وجودی و هشدارهای نفس لوامه به عنوان واعظی از درون انسان تأکید می‌فرمودند:^۲ کسی که از درون جانش واعظی نداشته باشد، دشمنش (شیطان) بر او چیره خواهد شد.^۳

۲. توکل، تسلیم، رضا و شکر

توکل از منظر امام کاظم علیه السلام دارای درجاتی است. آن حضرت در پاسخ کسی که از ایشان درباره مفهوم آیه «و من یتوکل علی الله فهو حسبه» پرسید، فرمودند: «توکل بر خدا درجاتی دارد: یکی از آن‌ها چنین است که در همه کارها بر خدا توکل کنی و به آنچه خدا در حقت انجام داد، راضی باشی و باور کنی که او جز خیر و فضل برای تو نمی‌خواهد و در این باره حکم او نافذ است. پس با تفویض امور به خدا، بر او توکل کن و بر او در همه کارها اعتماد داشته باش!»^۴

امام اصحاب خود را به داشتن مقام تسلیم نسبت به قضای الهی ترغیب می‌کردند و در این باره چنین می‌فرمایند: برای کسی که درباره خداوند شناخت پیدا کرد، سزاوار است که روزی دادنش را گند نشمارد و او را در حکم‌شتم ندارد.^۵

مقام شکر در سلوک معنوی امام کاظم علیه السلام جایگاه عجیبی دارد. آن حضرت بر شکر کردن به گونه‌های مختلف آن- از جمله شکر زبانی- تأکید داشتند و می‌فرمودند: بازگویی نعمت‌های الهی شکر است و ترک آن کفران نعمت، پس نعمت‌های الهی را با شکرگزاری استمرار بخشید و اموالتان را با پرداخت زکات حفظ کنید و بلا را با دفع نمایید که دعا، سپر نجات‌بخش از بلاست، حتی اگر وقوع بلا حتمی باشد.^۶

در مقام شکرگزاری امام کاظم علیه السلام، هشام بن احمر می‌گوید: همراه امام کاظم علیه السلام

۱. تحف العقول، ص ۴۰۹.

۲. جباری، ج ۱، ص ۳۲۵.

۳. «و قال عليه السلام: من لم يكن له من نفسه واعظ، تمكّن منه عدوه. يعني الشيطان» حياة الإمام موسى بن جعفر علیه السلام، ج ۱، ۲۷۸.

۴. کافی، ج ۲، ص ۶۵، ح ۵.

۵. همان، ج ۲، ص ۶۱، ح ۵.

۶. بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۵۰.

دریکی از نواحی اطراف مدینه در حال حرکت بودم که ناگاه آن حضرت از مرکب پیاده شدند و به سجده افتادند و مدتی طولانی در سجده بودند! سپس سر برداشتند و سوار مرکب شدند. پرسیدم: «فدایت گردم! دلیل این سجده طولانی چه بود؟» فرمودند: «من به یاد یکی از نعمت‌هایی افتادم که خداوند به من ارزانی داشته، خواستم شکرگزار پروردگارم باشم!»^۱.

سبک زندگی فردی

برخلاف تصور عده‌ای از مردم، زندگی ائمه معصومین علیهم السلام در تمام ابعاد مادی و معنوی قابل بهره و الگوگیری است. آداب خوردن و آشامیدن، خوابیدن و استراحت کردن، بهداشت و لباس پوشیدن، تزیین و کسب معاش.

۱. تغذیه

تغذیه نیاز طبیعی و مادی بشر است. نگاه اولیای دین به نیازهای مادی (جسمی و طبیعی) همچون دیگر نیازها، نگاهی آلى و ابزاری است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در تشریح حکمت نیاز بnde به نان در قالب دعا چنین می‌فرماید: خدایا در نان، به ما برکت عطا کن و بین ما و نان جدایی می‌فکن؛ زیرا اگر نان نباشد، قادر به ادای نماز و روزه گرفتن و انجام دادن واجبات پروردگارمان نخواهیم بود.^۲

در سیره امام کاظم علیه السلام به مسئله نان نگاه ویژه‌ای وجود دارد. فضل بن یونس می‌گوید: روزی مهمان امام کاظم علیه السلام بودم، ظرف غذایی آوردند و نان را زیر آن ظرف گذاشته بودند. حضرت با مشاهده این وضع، فرمود: نان را گرامی بدارید و آن را زیر ظرف قرار ندهید! سپس به غلام خود فرمودند تا نان را از زیر ظرف خارج کند.^۳

روایات در مورد غذای آن حضرت، حاوی نکات ارزشمندی است؛ از جمله اعتدال و میانه‌روی در مصرف غذا، توجه به فایده و کیفیت غذا، استفاده صحیح و به موقع از

۱. کافی، ج ۲، ص ۹۸.

۲. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَارِكْ لَنَا فِي الْحُبْزِ وَ لَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ فَلَوْلَا الْحُبْزُ مَا صَلَّيْنَا وَ لَا صَمَّنَا وَ لَا أَدَيْنَا فَرِائِضَ رَبِّنَا» کافی، ج ۵، ص ۷۳، ح ۱۳.

۳. کافی، ج ۶، ص ۳۰۴.

غذا، شیوه استفاده و نگهداری غذا، علاقه نشان دادن به نوع خاصی از غذا و...^۱
محمد بن جعفر بن عاصم از جدش درباره اصول تغذیه در سیره امام کاظم علیه السلام نقل
می‌کند:^۲

- ۱) دعوت از دیگران برای صرف غذا؛
- ۲) پذیرایی خوب از میهمان؛
- ۳) شستن دست‌ها، قبل و بعد از غذا؛
- ۴) رعایت آداب شستن دست‌ها، به این صورت که قبل از غذا پس از صاحب خانه، از سمت راست او آغاز به شستن کنند و پس از صرف غذا شستن را از سمت چپ او آغاز نمایند؛
- ۵) آغاز صرف غذا با بسم الله؛
- ۶) شروع غذا با مقداری نمک؛
- ۷) خوردن غذاهای مانده دردهان و سپس خلال کردن و بیرون ریختن آنچه با خلال از لای دندان‌ها خارج می‌شود؛
- ۸) اهتمام به غذاهای مورد علاقه معصومان علیهم السلام؛ زیرا انسان‌ها در امور طبیعی زندگی نیز نیازمند ارشاد آنان هستند؛
- ۹) بهره‌مندی از نعمت‌های الهی در صورتی که به اسراف و تبذیر نینجامد؛
- ۱۰) جمع نکردن بقایای غذا در محیط‌های باز و وانهادن آن برای پرندگان و دیگر حیوانات.^۳

۳۶

یکی دیگر از اصول مهم در سیره امام کاظم علیه السلام اهتمام به حلال بودن غذاست. بنا بر روایت شیخ کلینی، امام رضا علیه السلام ضمن اظهار علاقه به خوردن خرما، آن را میوه مورد علاقه همه معصومان پیش از خود و نیز شیعیان معرفی فرمودند و شراب را نوشیدنی مورد علاقه دشمنان اهل بیت علیهم السلام بود.^۴

-
۱. سیمای اقتصادی امام هفتم، عبدالرضا عرب، مجله معرفت، شماره ۸۹، اردیبهشت ۱۳۸۴، ص ۴۱.
 ۲. مکارم الاخلاق، صص ۱۴۴ و ۱۴۵.
 ۳. سیره اخلاقی پیامبر اعظم صلی الله علیہ و آله و سلم، ص ۳۳۲.
 ۴. کافی، ج ۶، صص ۳۴۵ و ۳۴۶، ح ۶.

از دیگر برنامه‌های غذایی امام کاظم استفاده از همه موهاب حلال و مفید بود تا آنجا که وقتی غلام حضرت بر سر سفره غذا سبزی نمی‌آورد حضرت می‌فرمایند: آیا نمی‌دانی که من بر سر سفره‌ای که سبزی نباشد غذا نمی‌خورم. سپس فرمودند سبزی بیاورید. غلام سبزی آورد، آنگاه امام شروع به خوردن کرد.^۱

همچنین معتبر می‌گوید: روزی امام کاظم به من فرمود: «برايم ماھي تازه تهيه کن؛ چون تصميم دارم حجامت کنم.» ماھي را خريدم و نزد امام آوردم. امام فرمود: «بخشی از آن را بپز و بخش دیگر آن را کباب کن.» سپس امام نهار و شام خود را از آن تناول کرد.^۲

۳۷

لقانی هم در مورد توجه حضرت به خوردن گوشت می‌گوید: امام کاظم را در مکه دیدم که شخصی را فرستاد تا برایش گوشت گاو بخرد، سپس امام گوشت‌ها را تکه‌تکه کرد و خشکاند تا کم کم از آن‌ها استفاده کند.^۳ در روایت محمدبن بکر نیز آمده است که وقتی برای گرفتن کمک مالی نزد امام در مزرعه‌اش رفتم حضرت از من با گوشت خشک تکه‌تکه شده پذیرایی کرد.^۴

یکی دیگر از برنامه‌های حضرت کامل کردن وعده‌های غذایی بوده است و هیچ‌گاه بدون خوردن شام نمی‌خواهدند؛ حتی اگر به خوردن یک لقمه غذا هم بود، شام را ترک نمی‌کردند و می‌فرمودند: «[صرف] شام موجب نیرومندی بدن است.»^۵

رعایت کردن مستحبات و مکروهات توسط حضرت کاظم نیز، مانند پرهیز از تناول غذای داغ^۶، زاویه‌ای دیگر از سبک غذایی حضرت را روشن می‌نماید.

۲. بهداشت

رعایت بهداشت در خوراک، پوشان و محیط‌زیست از مهم‌ترین ضروریات زندگی بشر است. امام کاظم در زمینه بهداشت، کامل‌ترین الگوی رفتاری فردی و اجتماعی که

۱. مسنند امام کاظم، ج ۳، ص ۸۱.

۲. همان، ج ۲، ص ۷۷.

۳. مسنند الامام الكاظم، ج ۳، ص ۶۸.

۴. بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۰۲.

۵. «إِنَّهُ قُوَّةٌ لِلْجَسْمِ» کافی، ج ۶، ص ۲۸۸.

۶. رجال کشی، ص ۵۰۰، ح ۹۵۷.

دوستان و دشمنان به آن معتبر بوده‌اند را با سیره عملی خود و یا بایان آن در دسترس قرار داده‌اند.

از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده که: سه شنبه ناخن بگیرید و چهارشنبه حمام بروید و پنج شنبه حجامت کنید و جمیع بهترین عطراها را بزنید.^۱ امام کاظم علیه السلام برای رفتن به حمام، توصیه می‌کردند کاملاً گرم شود و پس از استحمام و تنظیف بدن، به تمامی بدن حنا می‌مالیدند و این رفتار را به سیره و سخن رسول خدا علیه السلام مستند می‌کردند.^۲

استفاده از نوره و به دنبال آن حنا، تأمین‌کننده دو هدف بهداشت و تزیین بود، چنان‌که در برخی روایات دلیل این کار، از بین رفتن آثار ظاهری نوره بر بدن و به‌ویژه دست‌ها عنوان شده است.^۳ تأکید بر استفاده از شانه، به خصوص، شانه‌های طبی مانند شانه با جنس عاج که وبا را از بین می‌برد^۴ و نیز مسوک که آن را یکی از صفات مؤمنین می‌دانند^۵ از جمله سیره بهداشتی حضرت به شمار می‌رود. موسی بن بکر می‌گوید: امام کاظم علیه السلام را دیدم که با شانه‌ای از جنس عاج موهایش را شانه می‌کرد و آن شانه را من برای او خریده بودم.^۶

۳. پوشак و عطر و زینت

یکی دیگر از ضروریات و از مهم‌ترین موارد مصرفی، پوشاك است که در دو جنبه پوشاندن و زینت از نیازمندی‌های افراد محسوب می‌شود و در هر عصر و زمانی با توجه به اقتضائات زمانی آن تغییر کرده است.

حمیری در قرب الاسناد در روایتی از امام کاظم علیه السلام در ضمن سفارشی به فرزندشان امام رضا علیه السلام در مورد لباس و اهمیت دادن به آن آورده است: «لباس بپوش و خود را زیبا جلوه بده؛ زیرا علی بن الحسین علیه السلام جبهای از خز می‌پوشید که پانصد درهم ارزش

۱. مکارم الاخلاق، ص ۵۵.

۲. کافی، ج ۶، ص ۵۰۹.

۳. سیره اخلاقی پیامبر اعظم علیه السلام، ص ۳۳۵.

۴. کافی، ج ۶، ص ۴۸۸.

۵. مکارم الاخلاق، ص ۴۹.

۶. همان، ص ۴۸۸.

داشت...» و این آیه را تلاوت می‌کردند: **﴿فَلَمَنْ حَرَمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالظِّيَافَاتِ مِنِ الرِّزْقِ...﴾**^۱. تا آنجا برای مسئله لباس و زینت اهمیت قائل‌اند که زینت کردن و پوشیدن لباس زیبا و پاکیزه را برای زیادی عفت و پاکدامنی زنان مؤثر می‌دانند.^۲ در عین حال امام علیه السلام از سادگی آن غفلت نمی‌کردن. شقيق بلخی^۳ نقل می‌کند که در ایام حج، در منزل قادسیه مشغول تماشای مردم بودم، ناگاه جوانی [امام کاظم علیه السلام] را دیدم خوش‌سیما، ضعیف و سبزه که روی لباس خود لباسی از پشم به خود پیچیده بود و در پاهای او نعلینی بود.^۴

۳۹

توجه به عطر و زینت در سیره فردی امام کاظم علیه السلام، علاوه بر لطافت روح آن حضرت، میزان دقت حضرت در اموری که جنبه اجتماعی دارند را به خوبی به نمایش می‌گذارد تا آنجا که عطر زدن و پاکیزگی را دو اخلاق از اخلاق انبیاء^۵ ذکر کرده و در دست داشتن انگشتتر را از نشانه‌های ایمان می‌دانند.^۶

حسن بن جهم^۷ می‌گوید: نزد امام کاظم علیه السلام رفتم. آن حضرت صندوقچه‌ای آورد که در آن مشک بود و فرمود: بردار، من مقداری از آن را برداشتم. امام دوباره به من تعارف کرد که بردار و لباس‌هایت را معطر کن. من دوباره مقدار کمی از آن برداشتم و به جامه خود زدم. باز امام فرمود: بردار و لباست را معطر کن. آنگاه فرمود: امیرالمؤمنین

۱. المجالس السنیه، ج ۲، ص ۳۷۲.

۲. «عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ الْأَسْنَدِ قَالَ تَهْبِيَةُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ مِمَّا تَزَبَّدُ فِي عِفَّتِهَا» مکارم الاخلاق، ۹۷.

۳. ابوعلی شقيق بلخی، (م ۱۹۰، ۱۹۴ ق) عارف و محدث صوفی، از طریق ابوهاشم ذهابی و انس روایت حدیث کرده و بیست سال در فهم معانی آیات قرآنی کوشید. وی توبه کرد و به ریاضت پرداخت و پیاده به زیارت کعبه رفت. در طریقت مصاحب ابراهیم ابن ادھم و استاد حاتم اصم بود.

۴. الفصول المهمة، ص ۲۲۳. کشف الغمة، ج ۲، ص ۷۴۴.

۵. مکارم الاخلاق، ص ۴۰.

۶. همان، ص ۴۹.

۷. حسن بن جهم بن بکیر، از اصحاب و روایان امام کاظم و امام رضا علیهم السلام و از محدثان ثقه که با واسطه از محدثان دیگری، چون بکیر بن اعین، حماد بن عثمان، عبدالله بن بکیر و فضیل بن یسار حدیث نقل کرده است و محدثان دیگری، چون احمد بن محمد بن عیسی، حسن بن علی بن فضال، علی بن اسباط، محمد بن اسماعیل و محمد بن عبدالحمید از او نقل حدیث کرده اند. شمار احادیث نقل شده از او، که بیشتر فقهی است، به صد و بیست و سه می‌رسد. (ر. ک: معجم رجال الحديث، ج ۴، ص ۲۹۵)

علی ع فرمود: «لا يأبى الكرامة الا حمار»؛ کرامت و بخشنده‌گی را رد نمی‌کند، مگر الاغ. عرض کرد منظور از «کرامت» چیست؟ فرمود: عطر، پشتی و چند چیز دیگر.^۱ در روایتی دیگر، حسن بن جهم می‌گوید که بر امام کاظم ع وارد شدم، درحالی که دیدم حضرت بارنگ سیاه خضاب کرده بود.^۲

۴. مرکب

در هر دوره‌ای مرکب یکی از ابزار مورداستفاده و پرکاربرد است که بسیاری از نیازها - سفر و یا کشاورزی و... - توسط آن انجام می‌گیرد. اشخاص به تناسب احوالشان از مرکب‌های گوناگون استفاده می‌نمایند. آن حضرت از مرکب‌های مختلف استفاده می‌کرد، اما بیشتر مرکب سواری ایشان، قاطر بود که در آن زمان مرکب متوسطی محسوب می‌شد.

زمانی که هارون‌الرشید از حج بر می‌گشت، برخی از بزرگان و رجال مدینه به استقبال او رفتند. امام کاظم ع نیز همراه ایشان بود و سوار بر قاطری بود. ریبع نزد امام رفت و عرضه داشت: این چه مرکبی است که با آن به استقبال خلیفه آمده‌اید؟ (منظور او این بود که در این شرایط، باید از مرکب مجلل تری استفاده می‌کردید). امام در جواب فرمود: خوبی قاطر آن است که سوارش نه در خویشتن کبر و نخوت احساس می‌کند و نه زبونی و مذلت و بهترین امور حد وسط آن‌هاست.^۳ حماد بن عثمان می‌گوید: امام کاظم ع را دیدم که از مروه بر می‌گشت، درحالی که سوار قاطری بود.^۴

۵. منزل

خانه به جهت سرپناه و ایجاد حد و حصار و نیز محافظت از گرما و سرما و نیز جانوران و امان بودن برای خانواده، مهم‌ترین سهم را در زندگی فردی آحاد جامعه دارد. از امام کاظم ع پرسیدند: بالاترین لذت و عیش دنیا چیست؟ فرمودند: «وسعت خانه و

۱. همان، ص ۵۱۲

۲. مسند الامام الكاظم ع، ج ۳، ص ۲۴.

۳. ارشاد، ج ۲، ص ۲۳۴.

۴. کافی، ج ۸، ص ۸۶.

کثرت دوستان.^۱

آن حضرت در شهر مدینه منزل داشتند، ولی متأسفانه روایت‌های تاریخی، گزارش دقیق و تصویر روشنی از وضعیت منزل امام به دست نمی‌دهند. به غیر از امیر المؤمنین و امام حسن و امام حسین علیهم السلام، به واسطه حاکمیت؛ توصیف و تبیین قصرهای باشکوه و مجلل خلفای عباسی بیشتر دیده می‌شود تا بیان منزل کوچک و محقر ائمه بزرگوار شیعه، از این‌رو، کمتر گزارشی از جزئیات زندگی امامان برای ما نقل شده است، درحالی‌که اخبار دقیق و جزئی حتی از اندرونی و حرم‌سرای سلاطین وجود دارد.

با این‌همه، در چند روایت به وضع منزل امام اشاره شده است: حسن بن زیات می‌گوید: نزد ابوالحسن علیه السلام رفتم، درحالی‌که حضرت در اتاقی که با پرده و فرش آراسته شده بود، حضور داشت. فردای آن روز نزد ایشان رفتم. حضرت در اتاقی بود که در آن جز سنگریزه و شن نبود. آنگاه امام نزد من آمد، درحالی‌که جامه‌ای خشن پوشیده بودند. حضرت که از تعجب من آگاه شده بودند، فرمود: اتاقی که دیروز دیدی اتاق من نبود، اتاق همسرم بود.^۲ روایت فوق اهتمام بسیار امام علیه السلام بر همسر و فراهم آوردن امکانات رفاهی برای آنان و بی‌توجهی خود حضرت به ظواهر دنیا و عدم دل‌بستگی ایشان را بیان می‌کند.

ابراهیم بن عبدالحمید نقل می‌کند که وارد اتاقی شدم که امام کاظم علیه السلام در آن نماز می‌خواند، چیزی جز سبد (از لیف خرما) و قرآن و شمشیری که به دیوار آویزان بود، قرار نداشت.^۳

۶. معیشت

در سیره و سخن معصومان، گزارش‌ها و روایات فراوانی در زمینه تلاش و تأمین معاش به چشم می‌خورد. آنان خود اهل کار و فعالیت بودند و دیگران را نیز به شدت از

۱. «وَ سُلِّلَ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام عَنْ أَفْضَلِ عِيشَى فِي الدُّنْيَا قَالَ سَعَةُ الْمَنْزِلِ وَ كُثْرَةُ الْمُحِبِّينَ» مکارم الاخلاق، ص ۱۲۵.

۲. مسند الامام الكاظم علیه السلام، ج ۳، ص ۳۸.

۳. بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۰۰.

سَرْبَارِ مَرْدَمْ بُودَنْ نَهَى وَ بَهْ اشتَغَالْ وَ كَسْبِ رُوزِيْ حَلَالْ سَفَارَشْ مَىْ نَمُونَدَنْدَ.^۱ چنان‌که فَرَدْ بَىْ كَارْ رَا بَىْ اَرْزَشْ وَ كَمْ اعتَبَارْ مَعْرَفَى مَىْ كَرْدَنْدَ.^۲ در بَعْدِ اقْتَصَادْ وَ مَعِيشَتْ نَيْزْ هَمْچُونْ دِيْگَرْ اَبَعَادْ، مَعْصُومَانْ سَيِّرَهَائِيْ هَمْكُونْ وَ وَاحِدْ دَاشْتَنَدْ وَ بَهْ سَنَتْ رَسُولْ خَدا^{عَلَيْهِ السَّلَامُ} اَزْجَمَلَهْ تَلاَشْ وَ تَوْصِيهْ بَهْ كَارْ وَ فَعَالِيَّتْ، طَلَبْ رُوزِيْ اَزْ رَاهَهَائِيْ مَعْنَوَى، اَهْتَمَامْ بَرْ حَلَالْ بُودَنْ دَرَآمدَ، قَنَاعَتْ وَ سَادَهْ زَيْسَتِيْ در مَصْرُوفْ، عَدَالَتْ وَ احْتِيَاطْ در مَصْرُوفْ بَيْتِ الْمَالْ، پَرْهِيزْ اَزْ اَسْرَافْ وَ تَبْذِيرْ وَ اِنْفَاقْ دَرَرَاهْ خَدا كَهْ اَزْ مَهْمَمْ تَرِينْ اَصْوَلْ در سَيِّرَه اَقْتَصَادِيِّ پَيَامِبرْ خَاتَمْ^{عَلَيْهِ السَّلَامُ} هَسْتَنَدْ، تَأْسِيَّتْ مَىْ كَرْدَنْدَ.^۳

سَيِّرَه اَقْتَصَادِيِّ مَعْصُومَانْ رَا در دَوْ بَعْدِ دَرَآمدَ وَ مَصْرُوفْ مَىْ تَوَانْ بَيْ گَرْفَتْ. در بَعْدِ دَرَآمدَ، مَهْمَمْ تَرِينْ اَصْلَ، اَهْتَمَامْ بَهْ كَارْ وَ تَلاَشْ وَ كَسْبِ حَلَالْ وَ پَرْهِيزْ اَزْ دَرَآمدَ حَرَامْ است. در بَعْدِ مَصْرُوفْ نَيْزْ سَادَهْ زَيْسَتِيْ، اَعْتَدَالْ در مَصْرُوفْ وَ پَرْهِيزْ اَزْ اَسْرَافْ وَ تَبْذِيرْ مَهْمَمْ تَرِينْ اَصْلَ است.^۴

با مطالعه در رفتارهای اقتصادی امام کاظم^{عَلَيْهِ السَّلَامُ} می‌توان به اصول کلی در زمینه تولید دست یافت. بَىْ شَكْ، آنچه در اینجا ذَكَرْ مَىْ شَوَدْ تَمَامْ اَصْوَلْ كَلَى حَاكِمْ بَرْ رَفَتَارِ اَمَامْ نَيْسَتْ، بلکه مَهْمَمْ تَرِينْ اَصْوَلْ در سَيِّرَه اَمَامْ در تَولِيدِ است:

الف: تَلاَشْ در عَرَصَه تَولِيد

امَامْ کاظم^{عَلَيْهِ السَّلَامُ} با وجود مقام امامت و جایگاه رفیع اجتماعی، به کار برای کسب درآمد ملتزم بودند؛ به گونه‌ای که گاه شگفتی بعضی از اصحاب را بر می‌انگیخت. عَلَى بن ابی حمزه مَىْ گَوِيدْ:

امَامْ رَا در حَالَى دَيْدَمْ كَهْ در مَزْرَعَه اَشْ كَارْ مَىْ كَرْدَنْدَ وَ غَرَقْ عَرَقْ بُودَنْدَ. عَرَضْ كَرْدَمْ: «فَدَايَتْ شَوْمْ! پَسْ كَارْگَرَانْ كَجَابِينَد؟» پَرسِيدْ: «آنَانْ كَيَانَانَد؟» اَدَامَهْ دَادَنَدْ كَهْ: «رَسُولْ خَدا^{عَلَيْهِ السَّلَامُ}، اَمِيرْ مُؤْمِنَانْ^{عَلَيْهِ السَّلَامُ} وَ هَمَهْ پَدَرَانَمْ با دَسْتَانَشَانْ كَارْكَرْدَهَانَدْ وَ اَيْنَ، روْشْ هَمَهْ

۱. «فَالَّذِيْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُحِبُّ الْمُحْتَرَفَ الْأَمِينَ وَ فِي رِوَايَةِ أُخْرَى إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ الْمُؤْمِنِ الْمُحْتَرَفَ» کافی، ج ۵، ص ۱۱۳.

۲. الفائق فی غریب الحديث، ج ۱، ص ۲۴۰.

۳. ر.ک: سَيِّرَه اَخْلَاقِيْ پَيَامِبرْ اَعْظَمْ^{عَلَيْهِ السَّلَامُ}، جباری، فَصل ۵.

۴. سَيِّرَه اَخْلَاقِيْ پَيَامِبرْ اَعْظَمْ^{عَلَيْهِ السَّلَامُ}، ص ۳۳۶.

انبیاء، اوصیاء و صالحان است.^۱

این امر بیانگر نوع نگرش امام به دنیا و رابطه آن با آخرت است و بر اندیشه‌های انحرافی زهدمابانه که کار و تولید را در تضاد با کمالات معنوی و مصالح اخروی می‌دانستند یا افکار باطل ارباب منشانه که کار را وظیفه افراد پست و پایین جامعه می‌دانند خط بطلان می‌کشد.

امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «خداؤند از فرد پرخواب و بیکار متفرق است». ^۲ از این‌رو، به یکی از یارانش که کاسب و فروشنده بود، می‌فرماید: «أَعْنَدُ الْيَ عَزْكَ»؛^۳ صبح زود به سوی عزت خود بشتاب. منظور حضرت همان کسب و تجارت است. عزت انسان در سایه تلاش او در جهت تولید به دست می‌آید.

در روایتی دیگر، امام ارزش کار را این‌گونه بیان کردند: «هر کس در طلب روزی از راه حلال اقدام کند تا خود و خانواده‌اش را تأمین نماید مانند کسی است که در راه خدا جهاد کرده است». ^۴

ب: برنامه‌ریزی در امور اقتصادی

قطعاً انجام مسئولیت هدایت و رهبری فکری جامعه و پرداختن به عبادت و امور معنوی، زمانی با تلاش‌های اقتصادی قابل جمع خواهد بود که انسان برنامه‌ریزی دقیق و معقولی برای زندگی خود داشته باشد. اینکه امام بزرگوار شیعیان، هم در صحنه فرهنگی و هم در عرصه اقتصادی، فعال و پرتلاش حاضر است، به دلیل اعتقاد و عمل به اصل برنامه‌ریزی در زندگی است، همان‌گونه که فرمودند: «بکوشید اوقات [شبانه‌روزی] شما مشتمل بر چهار ساعت (بخش) باشد: بخشی برای مناجات با خدا؛ بخشی برای امر معاش؛ بخشی برای معاشرت با برادران و افراد قابل اعتماد که شمارا نسبت به عیوبستان آگاه می‌سازند و در باطن با شما دوستی خالصانه دارند و بخشی را نیز برای لذات حلال

۱. کافی، ج ۵، ص ۷۶.

۲. «إِنَّ اللَّهَ عَزُّوجَلَ لِيَعْنَى الْعَبْدَ النَّوَّمَ الْفَارَغَ» جعفر الهادی، الشئون الاقتصادية في نصوص الكتاب والسنة، ص ۷۳.

۳. مسنـد الإمام الكاظـم علـیـه السلام، ج ۲، ص ۳۵۹.

۴. «مَنْ طَلَبَ هَذَا الرِّزْقَ مِنْ جِلَهِ لِيَعْوَدَ بِهِ عَلَى نَفْسِهِ وَعِيَالِهِ كَانَ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» همان، ص ۴۲.

اختصاص دهد. به وسیله همین بخش [اخیر] بر سه بخش دیگر توانا خواهد شد.^۱

ج: تأکید بر عوامل صحیح و مشروع تولید

آنچه در سیره اقتصادی امامان و از جمله امام کاظم علیه السلام بیش از همه‌چیز مورد تأکید است، اهمیت دادن به عوامل صحیح و مشروع تولید است. امام هرگونه توسعه اقتصادی و پیشرفت در تولید را تأیید نمی‌کند، بلکه محور فعالیت‌های اقتصادی را قانون شرع معرفی می‌کند و هرگز از دایره احکام و موازین شرع خارج نمی‌شد. امام کاظم علیه السلام به یکی از یاران خود می‌فرماید: «ای داود، حرام رشد و توسعه نمی‌یابد و اگر رشد یافت، برکت در او نیست و هر چه از آن انفاق شود، اجر داده نمی‌شود و هر چه از آن باقی بماند، وسیله‌ای است برای رفتن انسان به جهنم». ^۲

برای تبیین این اصل، به سه گزارش توجه کنید:

یکی از اصحاب امام کاظم علیه السلام به نام شعیب عقرقوفی، غلامش را برای تحويل یک نامه و دویست دینار به سوی امام اعزام می‌کند. وی در منی به محضر ایشان مشرف می‌شود و دینارها را تقديم می‌کند اما امام بعضی از دینارها را برداشته، بعضی دیگر را رد می‌کند و به غلام می‌فرمایند: این دینارها را به شعیب بده و بگو که آن‌ها را به جای خودش برگرداند؛ زیرا صاحبش به آن نیاز دارد!! «و هنگامی که غلام، موضوع را از شعیب می‌پرسد، وی می‌گوید: «خواستم دویست دینار کامل شود، باوجود نارضایتی همسرم، پنجاه دینار از مال او برداشتم». ^۳

روزی امام کاظم علیه السلام را برای خرید تخم مرغ روانه نمودند اما غلام با تخم مرغ‌هایی که خریده بود، قمار کرد و حاصل آن را نزد امام آورد. هنگامی که امام متوجه حرام بودن آن غذا شدند، قیء کردند و تمام آن را از شکم خارج ساختند.^۴

۴۴



۱. «و قال علیه السلام: اجهدوا فان يكون زمانكم اربع ساعات ساعة لمناجاة الله و ساعة لامر المعاش و ساعة لمعاشة الاخوان و الثقات الذين يعرفونكم عيوبكم و يخلصون لكم في الباطن و ساعة تخليون فيها للذاتكم في غير محروم وبهذه الساعة تقدرون على الثلاث ساعات» اعيان الشيعة، ج ۲، ص ۱۰.

۲. «يا داود إنَّ الحرام لا نمي و إن نمي لم يبارك فيه و ما انفقَه لَم يوجر عليه و ما خلفَه كَان زادَه إلى النار» الشئون الاقتصادية في نصوص الكتاب والسنة، ص ۲۹۳.

۳. مناقب آل أبي طالب، ج ۴، ص ۲۹۴.

۴. كافي، ج ۵، ص ۱۲۳.

معتب (غلام امام) می‌گوید: «امام همواره به ما تأکید می‌کردند که پس از رسیدن محصول، آن را در بازار بفروشیم و سپس نیاز خود را مثل دیگر مسلمانان، روزانه خرید کنیم». ^۱

از این سه نمونه، به خوبی، اهتمام امام به پرهیز از درآمد و لقمه حرام استفاده می‌شود. بر اساس روایت اول، امام از مال عرضه شده به عنوان وجوده شرعی یا هدیه که مخلوط به حرام بود، تنها بخش حلالش را می‌پذیرند و با علم الهی، پس از آن که از حرام بودن غذا از طریق غلام آگاه می‌شوند، آن را با قیء از شکم خارج می‌کنند. روایت سوم نیز حساسیت امام به مسئله احتکار را بازگو می‌کند.^۲

د: حمایت از تولیدکنندگان

امام کاظم علیه السلام علاوه بر آنکه خود پیش‌گام در عرصه تولید و تلاش اقتصادی بود، از تولیدکنندگان نیز حمایت می‌کرد. کمک‌های فراوان امام به آسیب دیدگان و ورشکستگان و قرض داران که زندگی اقتصادی آن‌ها به دلیل مشکلات طبیعی مختل شده بود، در همین زمینه قابل تفسیرند.

شخصی می‌گوید: در نزدیکی مدینه صیفی کاری داشتم. موقعی که فصل برداشت محصول نزدیک شد، ملخ‌ها آن را نابود کردند. من خرج مزرعه را با پول دو شتر بدھکار بودم. نشسته بودم و فکر می‌کردم، ناگاه امام موسی بن جعفر علیه السلام را دیدم که در حال عبور از آنجا بود و مرا دید، فرمود: چرا ناراحتی؟ عرض کردم: به خاطر اینکه ملخ‌ها کشاورزی مرا نابود کرده‌اند. حضرت فرمود: چه قدر ضرر کرده‌ای؟ عرض کردم: یک‌صد و بیست دینار با پول دو شتر، حضرت به غلام خود فرمود: یک‌صد و پنجاه دینار به او بده، سی دینار سود به اضافه اصل مخارج و دو شتر هم به وی تحويل بده. آن مرد می‌گوید: وقتی این کمک را تحويل گرفتم، عرض کردم: وارد زمین شوید و در حق من دعا کنید. حضرت وارد زمین شد و دعا نمود. سپس از رسول خدا علیه السلام نقل کرد و فرمود: «تمسکوا بیقايا المصائب»؛ از بازماندگان مشکلات محکم نگه‌داری کنید.^۳

۱. همان، ص ۱۶۶.

۲. سیره اخلاقی پیامبر اعظم علیه السلام، ص ۳۳۸.

۳. تاریخ بغداد، ج ۱۵، ص ۱۶.

بدینسان، امام به مسئولان و افراد جامعه می‌آموزد که چگونه به افراد آسیب‌دیده کمک کنند. امام در کمک به کشاورزی که زراعت او دچار خسارت شده بود، علاوه بر اصل سرمایه‌ای که از دستداده بود، مقدار سودی نیز که انتظار داشت، به او می‌پردازد، ضمن اینکه حمایت معنوی خود را نیز اعلام می‌دارد و برای آن کشاورز دعا می‌کند و با ذکر روایتی از پیامبر، او را مشمول هدایت فکری و معنوی خود قرار می‌دهد.

ن: دفاع و حفاظت از حقوق مالی خود

در اسلام، مال یک و دیعه الهی معرفی شده است که از جانب خداوند در اختیار بشر قرار گرفته: «وَ أَتُوْهُمْ مِّنْ مَّا لِلَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ...»^۱ ازین‌رو، حفظ مال و نعمت‌هایی که خداوند به انسان عطا کرده، لازم است. اسلام جان و مال انسان مسلمان را محترم می‌شمارد و به هیچ‌کس اجازه نمی‌دهد متعرض اموال دیگران شود و آن را غصب نماید. در سیره معصومان ﷺ نمونه‌های بسیاری از حفاظت و دفاع از حقوق مالی‌شان به چشم می‌خورد. بارزترین دفاع مالی از سوی صدیقه کبری ﷺ صورت گرفت که برای بازپس‌گیری «فلک» که حق مسلم ایشان بود، تلاش بسیار کرد.

زمانی امام کاظم علیه السلام بر مهدی عباسی وارد شد و دید که او رهظالم می‌کند. امام نزد او آمد و پرسید: چرا آنچه را از راه ستم از ما گرفته شده است، برنمی‌گردانی؟ مهدی پرسید: آن چیست؟ امام ماجراجی فلک را توصیف کرد. مهدی گفت: حدود آن را مشخص کن تا برگردانم. امام حدود فلک را به تفصیل بیان کرد. خلیفه گفت: «هذا کثیر، فانظر فیه»؛ یعنی این مقدار زیاد است، درباره آن فکر می‌کنم.^۲ طبیعی بود که مهدی عباسی چنین کاری را انجام ندهد؛ زیرا افزون بر آنکه او محکومیت کسانی را که مانع از بازگرداندن فلک به اهل بیت شده بودند، می‌پذیرفت، واگذاری آن به امام می‌توانست امکانات مالی فراوانی را در اختیار امام قرار دهد که این به نفع حکومت نبود. نظیر این جریان در زمان هارون نیز تکرار شد و حضرت فلک را مطالبه نمود و هارون از دادن آن خودداری کرد. در مورد دیگری هارون امام را به دربار خود احضار کرد. امام او را مورد

۱. نور / ۳۳
۲. کافی، ج ۱، ص ۵۴۳

سرزنش و توبیخ قرارداد که چرا سادات و هاشمیان و شیعیان را فراموش کرده‌ای و حقوق آن‌ها را پرداخت نمی‌کنی؟^۱
م: اعتدال در مصرف

مهم‌ترین اصل اسلامی درزمینه مصرف، اعتدال‌گرایی و پرهیز از افراط و تفریط است. «اقتصاد» به معنای اعتدال و میانروی است که درزمینه مصرف نمود بیشتری دارد. اسلام به تلاش در عرصه تولید و قناعت در عرصه مصرف توصیه می‌کند. امام علی علیه السلام در مورد نوع لباس افراد متّقی از واژه «اقتصاد» استفاده می‌کند؛ می‌فرماید: **﴿وَ مُلِيسْهُمُ الْاِقْتَصَادُ﴾**:^۲ یعنی لباس افراد با تقوا معتدل و میانه است. امام کاظم علیه السلام نیز در مورد اقتصاد و اعتدال در مصرف می‌فرماید: «مَنْ اقْتَصَدَ وَ قَنَعَ، بَقِيَتْ عَلَيْهِ النِّعْمَةُ، مَنْ بَذَرَ وَ اسْرَفَ، زَالَ عَنْهُ النِّعْمَةُ»؛^۳ هر کس اقتصاد و اعتدال را رعایت کند و قانع باشد، نعمت بر او باقی خواهد ماند و هر کس اسراف کند، نعمت از دستش خواهد رفت.

نوع لباس، مرکب، منزل و غذای حضرت نمونه‌ای عالی از اعتدال و میانروی بود و در برخی موارد، امام تصريح می‌کرد که علت انتخابش، معتدل بودن آن بوده است. برای نمونه، وقتی به نوع مرکب امام که به استقبال خلیفه رفته بود، اعتراض کردند، امام در پاسخ فرمود: قاطر مرکب متوسطی است و «خیر الامور اوسطها».^۴ در مورد غذا نیز حضرت می‌فرماید: «أَلَوْ أَنَّ النَّاسَ قَصَدُوا فِي الطَّعَامِ لَا سَتَقَامَتْ أَبْدَانَهُمْ»؛^۵ اگر مردم در خوردن غذا اعتدال را رعایت می‌کردند بدن‌های محکم و استواری داشتند. امام از پرخوری نهی می‌کند و می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَبغضُ الْبَطْنَ الَّذِي لَا يُشْبِعُ»؛^۶ خدا از شکمی که سیر نمی‌شود متنفر است، ولی به ترک غذا بالانگیزه‌های زاهدانه نیز اعتراض می‌کند و باکسانی که غذاهای حلال را بر خود حرام کرده‌اند، برخورد می‌کند. امام هیچ‌گاه بدون

۱. کافی، ج ۱، ۱۳۱.

۲. المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه، ص ۱۰۶۱.

۳. الشئون الاقتصادية في نصوص الكتاب والسنة، ص ۴۶۲.

۴. بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۸۶.

۵. مسنـد الإمام الكاظـم علـيـه السلامـ، ج ۳، ص ۶۸.

۶. همان، ج ۳، ص ۶۹.

خوردن شام نمی‌خوابید و به این امر توصیه می‌کرد.

نوع لباس امام - برخلاف تصور برخی که فکر می‌کند امامان می‌بایست لباس‌های کهنه و فقیرانه بپوشند - معتدل و میانه بود.^۱

و؛ رعایت شخصیت و شئون اجتماعی افراد در مصرف

حفظ آبرو و شخصیت اجتماعی انسان همواره مورد توجه اسلام بوده است.

توصیه‌هایی که اسلام در مصرف دارد بیشتر برای حفظ شخصیت و مقام اجتماعی افراد است. اسلام مسلمانی را که در چشم دیگران حقیر و پست جلوه کند، نمی‌پسندد. امام در مورد فلسفه پوشیدن لباس، به این مسئله توجه کرده و فرموده است: هرگاه یکی از شما لباس جدیدی می‌پوشد، دست خود را روی لباس بکشد و بگوید: «الحمدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانَى مَا أُوْارَى بِهِ عَوْرَتِي وَ أَتَجْمَلَ بِهِ بَيْنَ النَّاسِ...»^۲ سپاس خدا را که زشتی‌های مرا پوشاند و لباسی داد که خود را بین مردم زیبا جلوه دهم.

حضرت فلسفه پوشیدن لباس را رعایت حجاب و پوشاندن زشتی‌ها می‌داند، علاوه بر آن، لباس را وسیله زیبا جلوه دادن انسان در مقابل دیگران معرفی می‌کند. انسان با پوشیدن لباس، خود را برای دیگران زیبا و مورد پسند جلوه می‌دهد. قطعاً روابط اجتماعی آنگاه که بر محور محبت و احترام متقابل صورت گیرد، بادوام‌تر خواهد بود و از راه کارهای ایجاد محبت؛ رعایت زیبایی و جمال ظاهری و بهداشت جسمانی است، به شرط آنکه افراط و تغییر طب صورت نگیرد.

در مورد دیگری امام به حسن بن مختار می‌فرماید: برای من قلنسوه (کلاه، سرپوش) درست کن و آن را مصنوعی درست نکن؛ چون آقایی مثل من لباس مصنوعی نمی‌پوشد. (اعمل لی قلنسوه، لا تكون مصنعةً فَإِنَّ السَّيِّدَ مِثْلِي لَا يَلِبَّسُ الْمَصْنَعَ).^۳

در موارد دیگری امام به شیعیان خود خطاب می‌کند که «يا معاشر الشيعة ائمَّةُ قَوْمٍ عادِكُمُ الْخَلْقُ فَزَيَّنُوا لَهُمْ بِمَا قَدَرْتُمْ عَلَيْهِ...»؛^۴ ای شیعیان! شما دشمنان زیادی دارید.

۱. سیمای اقتصادی امام هفتم، ص ۴۳.

۲. کشف الغمة، ج ۲، ۷۷۰.

۳. مسند الامام الكاظم علیه السلام، ج ۳، ص ۴۹.

۴. فروع کافی، ج ۶، ۴۸۰.

پس در مقابل دشمن، خود را حقیر جلوه ندهید، بلکه با سیادت و آقایی در جامعه ظاهر شوید و تا آنجا که می‌توانید، خود را زیبا و وجیه نشان دهید.

گاه پوشیدن لباس‌های کثیف و مندرس یا استفاده از مرکب‌های پست در حالی که انسان قادر به تهیه نوع برتر آن است، موجب می‌شود که انسان در چشم دیگران حقیر و نامقبول جلوه کند و نتواند مسئولیت و رسالت اجتماعی خود را به خوبی ایفا کند.

امام به یکی از یارانش به نام عبدالله جبلی کنانی که یک ماهی در دست گرفته بود و در کوچه و بازار در حال حرکت بود، فرمود: آن را بینداز، چون من ناپسند می‌بینیم که شخص بزرگواری چون تو چنین کار حقیری انجام دهد.^۱

سبک زندگی اجتماعی با نزدیکان

طبع آدمی به گونه‌ای خلق شده است که نمی‌تواند بدون مراوده و ارتباط با دیگر انسان‌ها زندگی کند، چراکه بسیاری از احتیاجات انسان‌ها وابسته به یکدیگر است. بحث در سیره اجتماعی دارای ابعاد متنوعی است. از جمله این روابط، ارتباط با نزدیکان و دوستان است که بیشترین سهم در روابط اجتماعی افراد را به خود اختصاص می‌دهد.

۱. صله رحم

ائمه هدی^{علیهم السلام} که مظہر عطفت و سفارش کننده به رعایت صله ارحام بودند در عمل و سیره خود نیز بهترین الگو و سرمشق پیروان و دوست دارانشان می‌باشد.

شیخ مفید نقل کرده است که: امام کاظم^{علیه السلام} بهترین مردم در رعایت صله رحم و مراعات و مهربانی بر اهل خود و نزدیکانشان بودند و هر شب برای فقرای مدينه مقداری آرد و خرما و... می‌برد، در حالی که آن‌ها حضرت را نمی‌شناختند.^۲

وقتی علی بن اسماعیل که برادرزاده امام^{علیهم السلام} بود با تطمیع و وعده و وعید یحیی بن خالد برمکی قصد سعایت از حضرت نزد هارون را داشت، حضرت او را خواستند و فرمودند: هدف تو کجاست و تا کجا به این عمل خود ادامه می‌دهی؟ گفت: تا بغداد، فرمودند: برای چه کاری می‌روی؟ گفت: به جهت ادائی قرض و مشکلات می‌روم. امام

۱. همان، ص ۴۸۱؛ سیمای اقتصادی امام هفتم، ص ۴۵.

۲. کشف الغمة، ج ۲، ص ۷۵۷.

که می‌دانست علی بن اسماعیل به خاطر طمع دنیا و رسیدن به آرزوهای مادی خود، طرح دوستی با هارون ریخته است، سعی کرد تا با دادن کمک و هدایای مالی، وی را از رفتن نزد هارون منصرف سازد، اما دنیاپرستی و حرص و طمع فراوان علی بن اسماعیل مانع از نفوذ هدایت امام شد. فرمودند: من قرض تو را ادا می‌کنم. ای پسر برادر من، از خدا بترس و اطفال مرا یتیم مکن؛ اما وی بدون اعتنا به سخنان حضرت مهیای سفر شد. چون برخاست، امام علیه السلام فرمودند: او در ریختن خون من و یتیم گرداندن اولاد من سعی می‌کند. اهل مجلس گفتند: جان ما فدای تو باد، تو میدانی این‌چنین می‌کند و به او عطا می‌کنی و صله می‌دهی؟ فرمودند: بلی، حدیث فرمود پدر من از پدر خود که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرموده که: اگر کسی قطع رحم کرد دیگران با او قطع رحم نکنند، زیرا خدا هم قطع رحم می‌کند و من این‌چنین نمی‌کنم در حالی که خدا از او قطع رحم می‌کند.

علی بن اسماعیل نزد هارون شروع به بدگویی از حضرت کرد و گفت: برای موسی بن جعفر علیه السلام از شرق و غرب عالم اموال زیادی را می‌آورند. هارون دویست هزار درهم به او داد؛ اما علی بن اسماعیل، نتوانست از آن پول بهره‌ای ببرد و تمام احساسی بدن او هنگام قضای حاجت بیرون ریخت و از دنیا رفت.^۱

۲. دوستان و نزدیکان

ازجمله لوازم زندگی اجتماعی، ارتباط متقابل و محترمانه میان آحاد جامعه است. هر یک از افراد جامعه با قطع نظر از دیگران قادر به پیش برد امور خود نخواهد بود و محتاج و وابسته‌اند. سیره ائمه هدی علیهم السلام نیز همواره بر رفع احتیاجات دیگران و دست‌گیری از همنوعان بوده است.

در انتهای روایتی که پیش از این در بحث تغذیه گذشت، امام از عاصم پرسیدند: «وضع شما در تواصل و تبار (روابط اجتماعی و نیکی به یکدیگر) چگونه است؟» وی در پاسخ عرض کرد: «بسیار خوب!» امام فرمودند: «چنان هست که یکی از شما در صورت نیاز، دست در کیسه برادر مؤمنش کند و به مقدار نیازش بردارد؟!» چون عاصم

۱. کشف الغمة، ج ۲، ص ۷۵۸؛ ارشاد، ج ۲، ص ۲۳۸.

پاسخ منفی داد، امام فرمودند: «پس به لحاظ تواصل در وضع خوبی قرار ندارید.»^۱
از این روایت، به خوبی می‌توان سطح توقع معصومان علیهم السلام از نوع روابط اجتماعی
شیعیان را استنباط کرد.^۲

عبدالله بن سنان می‌گوید: برای هارون‌الرشید لباس‌های ارزشمند و زیبایی آورده
بودند. هارون آن‌ها را به علی بن یقطین - وزیر خود - بخشید و از جمله آن لباس‌ها،
لباسی بود که از خز و طلا بافته شده بود که به لباس پادشاهان شباهت داشت. علی بن
یقطین لباس‌ها را به اضافه اموال دیگر برای مولایش موسی بن جعفر علیه السلام فرستاد.

امام علیه السلام همه را پذیرفت ولی آن لباس مخصوص را توسط شخص دیگری برای
علی بن یقطین فرستاد، سپس برایش نامه‌ای نوشت که این لباس را از منزل خارج مکن
یک وقت مورداحتیاج تو واقع می‌شود. پس از چند روز علی بن یقطین بر یکی از غلامان
خود خشم کرد و او را از خدمت عزل کرد. همان غلام پیش هارون‌الرشید سخن‌چینی
نمود که علی بن یقطین قائل به امامت موسی بن جعفر علیه السلام است و خمس اموال خود را
همه‌ساله برای او می‌فرستد و همان لباسی را که شما به او بخشیدید برای موسی بن
جعفر علیه السلام در فلان روز فرستاده است.

هارون بسیار خشمگین شد و شخصی را فرستاد و علی بن یقطین را احضار نمود.

به محض ورود علی بن یقطین، پرسید: لباس مخصوصی که به تو دادم چه کرده‌ای؟
گفت: در خانه است و آن را در پارچه‌ای پیچیده‌ام و هر صبح و شام باز می‌کنم و
نگاه می‌نمایم و آن را می‌بوسم. هارون گفت هم‌اکنون آن را بیاور. علی بن یقطین یکی
از خدام را فرستاد و گفت در فلان اتاق داخل فلان صندوق در پارچه‌ای پیچیده است
فوراً بیاور. غلام رفت و آورد.

هارون دید لباس در میان پارچه‌ای گذاشته شده و معطر است، خشمش فرونشست
و گفت: آن را به منزل خود برگردان دیگر سخن کسی را درباره تو قبول نمی‌کنم و
جایزه زیادی به او بخشید و دستور داد غلامی را که سخن‌چینی کرده بود هزار تازیانه

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۰۸؛ ارشاد، ج ۲، ص ۲۳۲. مکارم الاخلاق، ص ۱۴۴.

۲. سیره اخلاقی پیامبر اعظم علیه السلام، ص ۳۵۲.



بزند. هنوز بیش از پانصد تازیانه نزدیک بودند که مرد.^۱ دستگیری از دوستان و نجات از گرفتاری‌های معنوی و غوطه‌ور شدن در گناه نیز سیره‌ای معروف در بین اهل‌بیت علیهم السلام و اولیاء‌اللهی بوده و هست. روزی امام کاظم علیهم السلام در شهر بغداد از کنار منزل بشر حافی عبور می‌کردند. صدای سازوآواز از داخل منزل به گوش می‌رسید. در این موقع کنیز بشر برای ریختن خاکروبه از خانه خارج شد. آن حضرت فرمود: ای کنیز صاحب این خانه بنده است یا آزاد؟ جواب داد: البته که بنده و برده کسی نیست و آزاد است. موسی بن جعفر علیهم السلام فرمود: راست می‌گویی اگر بنده می‌بود از مولای خود ترس داشت.

کنیز وارد منزل شد، بشر بر سر سفره شراب نشسته بود علت تأخیر او را پرسید. جواب داد شخصی رد می‌شد از من سؤال کرد صاحب این خانه عبد است یا آزاد. پاسخ دادم البته برده کسی نیست. گفت آری اگر بنده بود از آقای خود می‌ترسید. این سخن چنان در قلب بشر تأثیر کرد که سر از پا نشناخت با پای برhenه از منزل خارج شد خود را به موسی بن جعفر علیهم السلام رسانید، به دست آن حضرت توبه کرد و از گذشته خود پوزش خواست با چشم گریان بازگشت.^۲ نقل شده از آن روز اعمال رشت خود را ترک کرد و از جمله زهاد زمان خویش شد و چون با پای برhenه به دنبال موسی بن جعفر علیهم السلام دوید و با این حال توبه کرد او را حافی (پابرهن) لقب دادند.

در روایات متعددی، کمک‌های مالی امام به شیعیان ذکر شده‌اند که نشان می‌دهد هدف امام تقویت نهاد شیعه بوده است.

در روایتی امام علیهم السلام در عید نوروز به دستور منصور دوانیقی به جمع آوری هدایای مردمی پرداخت و سرانجام، تمام آن هدایا را به پیرمرد شیعه‌ای که ارادت و محبت خود را به اهل‌بیت و بهویژه امام حسین علیهم السلام در قالب شعر بیان کرده بود، عطا کرد.^۳ بسی تردید، شعر والاترین جایگاه را در دستگاه تبلیغاتی آن زمان به عهده داشت. بدین روی، امام با

۱. اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۰؛ ارشاد، ج ۲، ص ۲۲۵.

۲. منتهی الامال، ج ۳، ص ۱۴۷۹.

۳. المناقب، ج ۴، ص ۳۱۹.

دادن این جایزه فرهنگی، به تقویت افکار و اندیشه‌های شیعی پرداخت.

حمّاد بن عیسیٰ می‌گوید: در بصره خدمت امام رسیدم و به آن حضرت عرض کردم: قربانت گردم! دعا کن خدا یک خانه، یک زن، یک فرزند، یک نوکر و حج همه ساله نصیب من گردداند. حضرت دست به دعا برداشت و فرمود: «اللهم صلّ علی محمد وآل محمد، خدایا به حماد خانه، زن، فرزند و نوکر عنایت کن و پنجاه سال مکه برود». من از این عبارت فهمیدم که تنها ۵۰ سال زنده خواهم بود. محمد بن عیسیٰ می‌گوید: حماد را دیدم به من گفت: ۴۸ سال مکه رفته‌ام و این خانه‌ای است که خداداده و این زن است و این پسر و این نوکر. پس از این تاریخ، دومرتبه دیگر به مکه رفت.

مرتبه دوم برای احرام بستان، رفت در رودخانه غسل کند که در آب غرق شد.^۱

نمونه دیگر مربوط به غلامی است صاعد نام که عشق و ارادت خود را به امام نشان داد و به امام احسان نمود. امام در پاسخ به احسان و ارادت و محبت او، او را از صاحبیش خریداری کرد، سپس وی را آزاد نمود و زمینی را به او هدیه کرد.^۲

سبک زندگی اجتماعی با دیگران

اصل در رفتار معصومان برقراری روابط اخلاقی و انسانی با افراد جامعه بود. همین نوع رفتار، در موارد بسیاری، زمینه‌ساز هدایت کسانی شد که معصومان را به عنوان امام و راهنمای خود نمی‌شناخندند. در سیره اجتماعی امام کاظم^{علیه السلام} نمونه‌های متعددی از این نحوه سلوک اجتماعی به چشم می‌خورد. مهم‌ترین محورهای مربوط به نوع سلوک اجتماعی امام کاظم^{علیه السلام} عبارت‌اند از:

نفى تبعیض و نگاه‌های نژادپرستانه، دیگر گرایی و توجه به زیردستان، مدارا و جذب مخالفان، کظم غیظ و نفى شتم و نزاع، قدرشناسی از محبت دیگران، حضور در تشییع جنازه مؤمنان و اکرام میهمان.^۳

۱. تکریم انسان‌ها

متأسفانه با رحلت رسول خدا^{صلی الله علیه و آله و سلم}، نگاه‌های نژادپرستانه جاهلی دوباره احیا شد.

۱. بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۴۸.

۲. حیة الإمام موسى بن جعفر^{علیه السلام}، ج ۱، ص ۱۵۲.

۳. سیره اخلاقی پیامبر اعظم^{صلی الله علیه و آله و سلم}، ص ۳۴۹.

هرچند امیر مؤمنان علی علیہ السلام کوشیدند با این تصور و مشی باطل مقابله کنند، لکن گویا جامعه اسلامی بنا نداشت از سنت سیئه خلفای سه‌گانه در این زمینه دست بردارد.^۱ در دوره حاکمیت معاویه و دیگر حكام اموی نگاههای نژادپرستانه شدت یافت و موالی یا غیر عرب‌ها، به لحاظ اجتماعی در وضعیت نابسامانی قرار گرفتند. در نقطه مقابل، امامان معصوم علیهم السلام تلاش فراوانی می‌کردند تا جامعه را به‌سوی تفکر منطقی و عادلانه اسلام در این زمینه سوق دهند.

در سیره امام کاظم علیه السلام نیز به نمونه‌های شایان توجهی در این‌باره برمی‌خوریم. از جمله مصارف عادی و معمولی در عصر امام کاظم علیه السلام، خرید غلام و کنیز بود که عمدهاً اسرای جنگی بودند. امامان گاه از بازار برده‌فروشان، غلامان و کنیزانی خریداری می‌کردند و پس از یک دوره تعلیم و تربیت اسلامی، آن‌ها را آزاد می‌کردند و گاه بدون آنکه آن‌ها را نگه‌داری کنند، آزاد می‌کردند. آزادسازی برده‌گان سیره و سنت همه معصومان بود و اسلام به این امر بسیار سفارش نموده است.

علی ابی حمزه می‌گوید: روزی، نزد امام کاظم علیه السلام بودم که سی غلام حبسی را که برای حضرت خریده بودند، نزد ایشان آوردند. امام با یکی از آنان (با یکنکه زبانشان با زبان ما فرق می‌کرد) سخن گفتند و پولی به او دادند و فرمودند: «به هر یک از اینان، ماهانه سی درهم بده». وقتی رفته بود، از حضرت پرسیدم: «به آن غلام چه فرمودید؟» پاسخ دادند: «به او سفارش کردم با دوستانش رفتار نیک داشته باشد و در هرماه نیز سی درهم به آنان بدهد، زیرا او را غلامی عاقل و درست‌کار و هم‌زبان و هموطن با آنان یافتم و او نیز پذیرفت.»^۲

نکته جالب توجه در این روایت تعیین مقرری و مزد برای غلامان است که در آن زمان کمتر کسی این کار را انجام می‌داد و این بیانگر نوع نگرش امام به مسئله برده‌گان بود.

همچنین آن حضرت، روزی به مردی بد چهره از اهالی عراق برخورد کردند و نزد

۱. سیره اخلاقی پیامبر اعظم صلوات الله علیه و آله و سلم، ص ۳۵۰.
۲. قرب الاسناد، ص ۳۳۶.

او نشستند و با او بسیار گرم گرفتند و به گونه‌ای سخن گفتند که گویا او می‌تواند نیاز امام را برطرف سازد! بعضی از کسانی که شاهد این صحنه بودند، عرض کردند: «شما بر او عرض حاجت می‌کنید درحالی که او به شما تیازمندتر است» امام فرمودند: «بندهای است از بندهان خدا و برادری است از منظر کتاب خدا و همسایه‌ای است در سرزمین‌های خدا که با ما در بهترین پدران یعنی آدم و در بهترین ادیان یعنی اسلام مشترک است و شاید روزی، نیاز ما به او افتد و پس از احساس تکبر نسبت به او، متواضعانه در برابر ش قرار گیریم.»^۱

هشام بن احمر روایت کرده است که تاجری از غرب وارد مدینه شد و کنیزانی برای فروش با خود آورده بود. امام موسی بن جعفر^{علیهم السلام} یکی از آن‌ها را با عزّتی وصف‌ناشدنی خریداری کرد و امام علی بن موسی الرضا^{علیهم السلام} از او متولد شد.
- نکتهٔ دیگر آنکه همه یا بیشتر همسران امام موسی کاظم^{علیهم السلام} کنیز بودند.

۲. اهتمام به رفع مشکلات دیگران

از جمله فضول درخشنان زندگی امام کاظم^{علیهم السلام}، کمک‌ها و بخشش‌های مالی به فقرا، نیازمندان و درماندهان است. کمک‌ها و بخشش‌های آن حضرت شامل حال دوستان و دشمنان آن حضرت می‌شد و در عصر خود، معروف بود. مورخان هدیه معمولی ایشان را حدود ۴۰۰ تا ۲۰۰ دینار ذکر کرده‌اند.^۲

محمد بن عبدالله بکری می‌گوید: از جهت مالی سخت درمانده شده بودم و برای آنکه پولی قرض کنم وارد مدینه شدم، اما هر چه این در و آن در زدم نتیجه نگرفتم و بسیار خسته شدم. با خود گفتم خدمت حضرت موسی بن جعفر^{علیهم السلام} بروم و از روزگار خویش نزد آن بزرگ شکایت کنم. ایشان را در مزرعه‌ای دریکی از روستاهای اطراف مدینه سرگرم کار یافتند. امام^{علیهم السلام} برای پذیرایی از من نزدم آمدند و با من غذا میل فرمودند، پس از صرف غذا پرسیدند: با من کاری داشتی؟ ماجرا را برایشان عرض کردم، امام^{علیهم السلام} برخاستند و به اتفاقی در کنار مزرعه رفته‌اند و بازگشتند و با خود سیصد دینار طلا

۱. تحف العقول، ص ۴۱۳.

۲. کشف الغمة، ج ۲، ص ۷۵۸.

(سکه) آوردن و به من دادند و من بر مرکب خود و بر مرکب مراد سوار شدم و بازگشتم.^۱

شیخ مفید در کتاب الارشاد، سخاوت و فقیرنوازی امام را چنین توصیف می‌کند: آن حضرت مهریان‌ترین مردم به خانواده و خویشاوند خود بود و از فقرای مدینه در شب‌ها تفقد و نوازش می‌فرمود و زنبیل هائی که در آن پول، طلا و نقره و آرد و خرما بود برای ایشان می‌برد و به آنان می‌رساند و آنان نمی‌دانستند از کجا می‌آید و چه کسی می‌آورد.^۲

این رفتار سخاوتمندانه و سرشار از ایمان و اخلاص امام شامل پیام‌ها و نکاتی است؛ از جمله:

۵۶

- کمک مخفیانه و شیانه به فقرا که دلیل آن حفظ عزت نفس و کرامت انسانی فقرا، عدم ترویج تکلی و حفظ عمل از شائبه ریا و منت بود.

- در کمک کردن به فقرا، باید خویشاوندان را مقدم داشت.

- کمک‌های مالی امام به فقرا متتنوع و گوناگون بودند.

- کمک امام در حدّی بود که آن‌ها را کاملاً بی‌نیاز می‌ساخت، به‌گونه‌ای که عطا‌یا و بخشش‌های مالی آن حضرت ضرب المثل بودند. به کسی که پول حضرت را می‌گرفت و باز فقیر می‌ماند، می‌گفتند: «عَجَباً لِمَنْ جَاءَهُ صَرَّةُ مُوسَى فَشَكَا الْقَلْهَ»^۳ از کسی که کمک مالی امام موسی کاظم علی‌الله‌ی السلام را دریافت کرده تعجب است که از بی‌پولی بنالد.

«روزی آن حضرت از کنار یک اعرابی بیابانی که خیلی بدقيافه بود، عبور می‌کرد. وقتی او را دید، نزد وی رفت، به او سلام کرد و در کنار او نشست و با او همسخن شد. سپس به او فرمود: اگر مشکلی بیدا کردی به من مراجعه کن. اطرافیان حضرت عرض کردند: آیا کنار چنین فردی می‌نشینی و از نیاز وی سؤال می‌کنی؟ حضرت فرمود: «بنده‌ای از بندگان خداست، برادری است که خدا در قرآن برادر بودن او را تعیین کرده و همسایه‌ای

۱. کشف الغمة، ج ۲، ص ۷۵۷؛ بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۰۲.

۲. «وَ كَانَ أَوْصَلَ النَّاسَ لَاهِلِهِ وَ رَحِمَهُ وَ كَانَ يَفْتَقَدُ فَقَرَاءَ الْمَدِينَةِ فِي اللَّيلِ فَيَحْمِلُ إِلَيْهِمُ الزَّنبِيلَ فِيهِ الْعَيْنُ وَ الْوَرْقُ وَ الْأَلْقَهُ وَ التَّمُورُ فَيُوَصَّلُ إِلَيْهِمْ ذَلِكَ وَ لَا يَعْلَمُونَ مِنْ أَىِّ جَهَّهٍ هُوَ». ارشاد، ج ۲، ص ۲۳۱.

۳. کشف الغمة، ج ۲، ص ۷۵۸.

است که در روی زمینی که ما زندگی می‌کنیم، زندگی می‌کند، ما و او فرزندان آدم هستیم و طرفدار بهترین ادیان الهی. شاید روزگار ما را محتاج او گرداند و ببیند که ما روزی نسبت به او فخر فروختیم و اینک نیازمند او هستیم.^۱

نکته دیگری که در سیره معصومان در کمک به فقرا به چشم می‌خورد، آزمایش فقیر قبل از کمک به اوست. در برخی موارد، ائمه اطهار فقیر را مورد امتحان و سؤال قرار می‌دادند و بر مبنای معرفت و درک و بصیرت او، به او کمک می‌کردند. برای نمونه: فقیری نزد آن حضرت آمد و پس از اظهار تهی دستی، گفت: اگر صد درهم داشتم با آن کاسی می‌کردم و از تنگدستی نجات می‌یافتم. امام از او پرسید: اگر بنا باشد تو در دنیا آرزویی داشته باشی، آرزویت چیست؟ فقیر گفت: آرزو می‌کنم به ادای حقوق دینی توفیق یابم و برای حفظ جان، از خطر دشمن قانون تقیه را رعایت کنم. امام کاظم پرسید: چرا دوستی ما خاندان (اهل بیت) را آرزو نمی‌کنی؟ فقیر گفت: این خصلت را که دارا هستم و خدا را به خاطر داشتن این صفت سپاس می‌گوییم، ولی آن را که ندارم آرزو می‌کنم. امام فرمود: پاسخ نیک دادی، آفرین! آنگاه دو هزار درهم (بیست برابر خواسته او) به وی داد و فرمود: این پول را در تجارت و خرید و فروش «مازو» (دانه‌هایی که برای رنگ کردن و دباغی به کار می‌برند) به کار بزن؛ زیرا این کالا خشک است (و کمتر آسیب می‌بیند) فقیر همین کار را کرد و زندگی اش سروسامان یافت.^۲

۳. محبت و مدارا با مخالفان

بخشنده دیگری از کمک‌های امام کمک به مخالفان است که به خاطر ارشاد و هدایت افراد ضعیف‌النفس صورت می‌گرفت؛ مانند آنچه رسول خدا در صدر اسلام برای جذب برخی از مشرکان به اسلام انجام می‌دادند که آنها را «مؤلفة قلوبهم» می‌گفتند و یکی از موارد مصرف وجهات اسلامی است.

مورخان در مورد این ویژگی امام نوشتند هرگاه فردی موسی بن جعفر را مورد آزار قرار می‌داد، آن حضرت کیسه دیناری برای او می‌فرستاد و کیسه‌های پول آن

۱. زندگانی امام کاظم، ص ۳۲.

۲. انوارالبهیهی، ص ۱۸۸.



حضرت تا سیصد دینار بود، به گونه‌ای که کيسه‌های حضرت ضربالمثل شده بود.^۱ این امر دلالت بر کثرت و فراوانی کمک‌های مالی حضرت است. تنها در یک یا دو مورد حضرت کمک نکرده بود، بلکه سیره دائمی حضرت چنین بود.

یکی از فرزندان عمر بن خطاب که در مدینه ساکن بود، هر وقت امام کاظم علیه السلام می‌دید، به آن حضرت اهانت می‌کرد و به امام علی علیه السلام ناسزا می‌گفت. برخی از یاران امام از حضرت خواستند تا اجازه دهند آن فرد را به قتل برسانند. حضرت بهشت مخالفت کردند و نشانی او را جویا شدند. یکبار به سراغ او در مزرعه کشاورزی رفتند. امام همان‌گونه که سوار مرکب خود بودند، وارد مزرعه آن فرد شدند و به طرف او رفته‌اند. فرزند عمر فریاد کشید: کشاورزی را لگدمال نکن! حضرت اعتنایی نکردند و نزد او رفته‌اند و با او به گفت و گو نشستند. سپس به او فرمودند: چقدر در این زمین خرج کرده‌ای؟ او گفت: یک‌صد دینار. حضرت فرمودند: انتظار داری چه قدر سود ببری؟ گفت: آرزو دارم دویست دینار سود ببرم. امام علیه السلام سیصد دینار به او دادند و فرمودند: کشاورزی تو بر جای خود. خداوند آنچه را امیدواری، به تو عنایت کند و از زمین بهره‌مند شوی. عمر زاده برخاست و سر حضرت را بوسید و درخواست بخشنود کرد. امام علیه السلام تبسیمی کردند و به طرف مسجد حرکت کردند. آن فرد نیز به مسجد آمد و بود. وقتی چشم او به امام افتاد گفت: خدا بهتر می‌داند که مسئولیت جامعه را به دوش چه کسی بگذارد. آنگاه امام به کسی که پیشنهاد قتل او را داده بود، فرمود: این روش بهتر بود یا روش شما؟^۲

هارون‌الرشید کنیزی زیباروی را به عنوان خدمتکار آن گرامی به زندان فرستاد و در باطن قصد داشت تا اگر امام علیه السلام به او تمایل نشان دادند، دست به تبلیغات علیه آن گرامی بزند؛ امام علیه السلام به آورنده دخترک فرمودند: شما به این هدیه‌ها دل‌بسته‌اید و بدان‌ها می‌نازید، من به این هدیه و امثال آن نیازی ندارم. هارون خشمگین شد و دستور داد که کنیز را به زندان ببر و به امام بگو، ما تو را با رضایت خودت به زندان نیفکنده‌ایم.

۱. کشف الغمة، ج ۲، ص ۷۵۸.
۲. اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۶؛ ارشاد، ج ۲، ص ۲۳۳؛ المناقب، ج ۴، ص ۳۱۹.

سیک زندگی فردی، عبادی و اجتماعی امام کاظم علیه السلام

(ماندن این کنیز هم بستگی به رضایت تو ندارد). چیزی نگذشت که جاسوسان هارون که مأمور گزارش ارتباطات کنیز با امام بودند به هارون خبر بردنده که کنیزک، بیشتر اوقات در حال سجده است. هارون گفت به خدا سوگند، موسی بن جعفر او را افسون کرده است. کنیز را خواست و از او بازخواست کرد اما کنیزک جز نکویی از امام نگفت. هارون به مأمور خود دستور داد که کنیز را نزد خویش نگه دارد و باکسی چیزی از این ماجرا نگوید. کنیزک پیوسته در عبادت بود تا چند روز پیش از وفات امام علیه السلام از دنیا رفت.^۱

۵۹

تشریف

۱. المناقب، ج ۴، ص ۲۹۷.

نتیجه‌گیری

هدف از بعثت انبیاء و وصایت اوصیاء، هدایت مردم در قول و عمل بهسوی آرمان‌های الهی بوده است. مرور سیره ائمه هدی علیهم السلام اولاً درک عظمت وجودی آن بزرگواران را در حدّ بصاعات موجب می‌گردد و ثانیاً آشنایی با راه و روش زندگی الهی را می‌توان از آن انوار مقدس الگو گیری نمود. سیره امام کاظم علیه السلام در دایره همین اندک مطالب نقل شده متضمن همین راه و رسم می‌باشد و دست یافتن به آن، امری ممکن و مقدور است و زندگی آن حضرت در همه ابعاد یادآور سیره و روش رسول اکرم علیه السلام و امیر المؤمنین علیه السلام است.

۶۰

شنبه

فهرست منابع

۱. ابن صباغ، **الفصول المهمة**، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۰ ش.
۲. اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح، **کشف الغمة فی معرفة الأئمّة**، قم، رضی، ۱۴۲۱ ق.
۳. امین، سید محسن، **اعیان الشیعه**، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۳ ق.
۴. ———، **المجالس السنیّه**، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۳ ق.
۵. انجمن تاریخ پژوهان حوزه، **سیره و زمانه حضرت امام کاظم علیه السلام**، قم، حوزه علمیه، ۱۳۹۲ ش.
۶. آمدی، عبدالاحد، **غیرالحکم و درر الكلم**، ترجمه محمدعلی انصاری، قم، سازمان چاپ و صحافی دارالکتاب، [بی‌تا].
۷. جعفر الهادی، **الشیون الاقتصادیه فی نصوص الكتاب و السنّه**، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین، ۱۴۰۳ ق.
۸. حرانی، ابن شعبه، **تحف العقول**، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
۹. حمصی رازی، محمود بن علی، **المنقد من التقليد**، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۲ ق.
۱۰. حمیری، ابوالعباس عبدالله بن جعفر، **قرب الاسناد**، تحقیق و نشر مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۳ ق.
۱۱. خطیب بغدادی، **تاریخ بغداد**، بیروت، دار العرب الاسلامی، ۱۴۲۲ ق.
۱۲. الخوری الشرتونی اللبناني، سعید، **اقرب الموارد فی فصح العربيه و الشوارد**، قم، کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۳۶۱ ش.
۱۳. دشتی، محمد و محمدی، کاظم، **المعجم المفہرس لالفاظ نهج البلاغه**، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۶ ق.
۱۴. زمانی، مصطفی، **زندگانی امام کاظم علیه السلام**، قم، عصر ظهور، ۱۳۷۸ ش.
۱۵. زمخشیری، جار الله، **الغائب فی غریب الحدیث**، بیروت، دارالكتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق.
۱۶. شریف قرشی، باقر، **حیاة الإمام موسی بن جعفر علیه السلام**، بیروت، دارالبلاغه، ۱۴۱۳ ق.
۱۷. صادقی، حسن، **معاشرت زنان و مردان از دیدگاه اسلام**، قم، مرکز پژوهش‌های صداوسیما، ۱۳۸۲ ش.
۱۸. صدوq، **عيون اخبار الرضا**، تحقیق حسین اعلمی، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۴ ق.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، **إعلام الوری بأعلام الہدی**، قم، آل البيت، ۱۴۱۷ ق.
۲۰. ———، **مکارم الاخلاق**، چاپ چهارم، قم، رضی، ۱۳۷۰ ش.



۲۱. طریحی، فخرالدین، **مجمع البحرين**، به تحقیق سید احمد حسینی، تهران؛ دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۸ ق.
۲۲. طوسی، ابن حمزه عمال الدین، **الثاقب فی المناقب**، چاپ سوم، قم، انصاریان، ۱۴۱۹ ق.
۲۳. طوسی، الامالی، قم، دارالثقافة، ۱۴۱۴ ق.
۲۴. عرب، عبدالرضا، **سیمای اقتصادی امام هفتم**، معرفت، شماره ۸۹، اردیبهشت ۱۳۸۴ ش.
۲۵. عطاردی، عزیز الله، **مسند الامام الكاظم**، مشهد، کنگره جهانی امام رضا، ۱۴۰۹ ق.
۲۶. قمی، شیخ عباس، **انوارالبیّه**، قم نشر اسلامی، ۱۴۲۷ ق.
۲۷. ———، **منتهی الآمال فی تواریخ النبی و الآل**، قم، دلیل ما، ۱۳۷۹ ش.
۲۸. کشی، محمد بن عمر، **رجال کشی**، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ش.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ و ۱۳۶۲ ش.
۳۰. مازندرانی، محمد بن شهرآشوب، **علامه**، ۱۳۷۹ ش.
۳۱. ———، **مناقب آل ابی طالب**، نجف، حیدریه، ۱۳۷۶ ق.
۳۲. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، تهران، الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش.
۳۳. مسعودی، علی بن حسین، **اثبات الوصیة للإمام علی بن ابی طالب**، چاپ ۳، قم، انصاریان، ۱۴۲۶ ق.
۳۴. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، **الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد**، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۳۵. نجاشی، احمد بن علی، **رجال نجاشی**، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ ق.